

**The Impact of Safe Attachment on Social Capital
Formation with an Emphasis on Imam Musa
Sadr's Educational Thought¹**

Kavous Rouhi Barandaj²
Kazem Qazizadeh³
Ensieh al.Sadat Eskaf⁴

Abstract

Maternal-child attachment is a lasting emotional relationship that forms before the birth of the baby and reaches its peak in the early years of life. Man's personality and social relationships are strongly influenced by the quality of his attachment in childhood. As invisible wealth of societies, social capital also focuses on social interactions between humans and provides the context for the continuation and strengthening of relationships, cooperation, and interactions across different aspects of society. Thus, the quality and type of attachment can be effective in strengthening or weakening social capital. The current study seeks to examine the effect of safe attachment on the quality of social capital with an emphasis on educational thought of Imam Musa Sadr through a descriptive-analytic method. According to the educational thought of Imam Musa Sadr, one can find him emphasizing the necessity of forming an "emotional relationship" in the family, encouraging the mother or the "face of attachment" to do his utmost to strengthen this relationship. The fruit of this "emotional relationship" is a strong relationship between generations. She relies on authentic religious sources and teachings considering the mother as an obvious example of the Wajh Allah (face of God) on earth, sacrificing her body and soul in the sea of love and mercy. Based on the view of Imam Musa Sadr, it can be said that by forming a safe attachment in the childhood, a faithful, committed and responsible human being is developed that can produce great social capital.

Keyword

Secure Attachment, Social Capital, Imam Musa Sadr, Mother.

1. This article is based on a M.A thesis entitled "Analytical Study of the Quranic-narrative Principles of Imam Musa Sadr's Social views".

2. Associate professor at Tarbiat Modares University, k.roohi@modares.ac.ir.

3. Assistant professor at Tarbiat Modares University, k.ghazizadeh@modares.ac.ir.

4. M.A student at Tarbiat Modares University, e.eskaf@modares.ac.ir.

فصلنامه علمی - پژوهشی

اسلام و مطالعات اجتماعی

سال هفتم، شماره دوم (پیاپی ۲۶)، پاییز ۱۳۹۸
(صفحات ۹۰-۱۱۳)

تأثیر دل‌بستگی ایمن بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی

* با تأکید بر اندیشه تربیتی امام موسی صدر *

** کائوس روحی برندق

*** کاظم قاضی‌زاده

*** انسیه السادات اسکاف

چکیده

دل‌بستگی مادر - کودک پیوند عاطفی پایداری است که زمینه‌های شکل‌گیری آن پیش از تولد کودک است و در سال‌های ابتدایی عمر به نقطه اوج خود می‌رسد. شخصیت و روابط اجتماعی انسان به شدت متأثر از کیفیت دل‌بستگی او در دوران کودکی است. سرمایه اجتماعی نیز به‌عنوان ثروت نامرئی جوامع بر روابط اجتماعی میان انسان‌ها تمرکز دارد و زمینه تداوم و تقویت روابط، همکاری و تعاملات را در ابعاد مختلف جامعه فراهم می‌سازد؛ بنابراین کیفیت و نوع دل‌بستگی می‌تواند در جهت تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی مؤثر باشد. در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی تلاش شده با تأکید بر اندیشه تربیتی امام موسی صدر تأثیر دل‌بستگی ایمن بر کیفیت سرمایه اجتماعی بررسی شود. با توجه به اندیشه تربیتی امام موسی صدر می‌توان دریافت او ضمن تأکید بر لزوم شکل‌گیری «پیوند عاطفی» در خانواده، مادر یا همان «چهره دل‌بستگی» را ترغیب می‌کند که در تقویت این رابطه نهایت کوشش خود را داشته باشد. محصول این «پیوند عاطفی» ارتباط محکم بین نسل‌ها است. او با استناد به منابع و آموزه‌های اصیل دینی مادر را مصداق بارز «وجه الله» در روی زمین می‌داند که با فدا کردن جسم و جان خود کودک را غرق در دریای محبت و لطف می‌کند. بر پایه دیدگاه امام موسی صدر می‌توان گفت با تشکیل دل‌بستگی ایمن در کودکی، انسانی مؤمن، متعهد و مسئولیت‌پذیر پرورش می‌یابد که می‌تواند سرمایه اجتماعی عظیمی را تولید کند.

کلیدواژه‌ها

دل‌بستگی ایمن، سرمایه اجتماعی، امام موسی صدر، مادر.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۳

* این مقاله استخراج شده از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی تحلیلی مبانی قرآنی روایی آرای اجتماعی امام موسی صدر» است.

k.roohi@modares.ac.ir

** دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

k.ghazizadeh@modares.ac.ir

*** دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

e.eskaf@modares.ac.ir

**** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۱. بیان مسئله

مبحث رابطه والدین با فرزندان، سال‌ها نظر صاحبان اندیشه و کارشناسان تعلیم و تربیت را به خود مشغول کرده است. خانواده اولین مرکز تربیتی و مهم‌ترین جایگاه پرورش درست، احیا و رویش و زایش شایستگی‌ها و قابلیت‌های کودکان است. باورها، سلیق و هنجارهای یک فرد به صورت گسترده‌ای در طول سال‌های کودکی او تعیین می‌گردند (رستگار خالد، ۱۳۹۲: ص ۶۲-۶۳) تا جایی که می‌توان گفت بهترین دوره شکل‌گیری شخصیت کودک بین یک تا سه سالگی است (تبعه امامی و دیگران، ۱۳۹۰، «الف»: ص ۸).

والدین مهم‌ترین نقش را در این زمینه بر عهده دارند. بررسی‌های فراوان^۱ نشان‌دهنده آن است که دلبستگی «والد - کودک»^۲ با سازگاری کودک و شایستگی عملکرد وی در موقعیت‌های دیگر رابطه مستقیم دارد. کودکانی که برخوردار از رابطه‌ای گرم و صمیمی با والدین، به‌خصوص مادر هستند، متکی‌تر، کاردارتر و مستقل‌ترند و در ذهن تصویر مثبتی از خود دارند. همچنین اعتماد به نفس، استقلال، احساس مسئولیت، امیدواری، دگراندیشی، برخورد منطقی با مسائل، حس اعتماد به دیگران و مشارکت در امور اجتماعی از ویژگی‌هایی است که بیشتر در این کودکان دیده می‌شود. بدون شک افراد با چنین ویژگی‌هایی در برقراری ارتباط مؤثر با دیگران برای ارتقای موفقیت و سعادت جامعه توانمندند و نقش مهمی را در مناسبات اجتماعی ایفا می‌کنند. در بیانی دیگر دلبستگی کودک به‌عنوان عامل مهم و مؤثر در تشکیل شخصیت فردی و اجتماعی، تولید سرمایه اجتماعی می‌کند و به‌روزی جامعه را به دنبال خواهد داشت. مطالعه آثار امام موسی صدر نشان از توجه فراوان به حضور والدین به‌خصوص مادر در کنار کودک و تربیت صحیح او دارد؛ حضوری که بر پایه دیدگاه امام موسی صدر می‌تواند با ایجاد پیوند عاطفی و عمیق بین نسل‌های متوالی منجر به تولید سرمایه اجتماعی شود.

۱. نمونه‌هایی از بررسی‌های پژوهشگران در کتاب‌ها و مقالات متعددی آمده است (تکینسون و دیگران، ۱۳۸۵: ص ۱۲۴؛ واحدی و مرادی، ۱۳۸۸: ص ۲۳۰؛ تبعه امامی و دیگران، ۱۳۹۰، «ب»: ص ۳۰۷ و ...).

۲. رابطه والد-کودک شامل ترکیبی از رفتارها، احساسات و انتظارات منحصر به فردی است که بین والدین و فرزندان نشان وجود دارد (ساطوریان، طهماسیان و احمدی، ۱۳۹۵: ص ۶۸۶).

این پژوهش درصدد است با بررسی تأثیر دل‌بستگی ایمن بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، اندیشه تربیتی امام موسی صدر را در این زمینه بیان کند و مبانی دینی آن را در آیات قرآن و روایات اسلامی جستجو و مستندسازی کند، بنابراین مشخصاً سؤال‌های پژوهش این است:

○ اندیشه تربیتی امام موسی صدر در راستای تأثیر دل‌بستگی ایمن بر سرمایه اجتماعی چیست؟

○ مستندات قرآنی و روایی این اندیشه کدام‌اند؟

شیوه گردآوری اطلاعات در این تحقیق کتابخانه‌ای است و در استناد داده‌ها از شیوه اسنادی پیروی می‌کند و در تجزیه و تحلیل مطالب از روش تحلیل محتوایی از نوع توصیفی - تحلیلی بهره می‌گیرد.

درباره با پیشینه پژوهش اگرچه در زمینه تأثیر خانواده بر سرمایه اجتماعی مقاله‌هایی مستقل، از جمله «سرمایه اجتماعی خانواده و دینداری جوانان» (رستگارخالد، ۱۳۹۲) و «واکاوی رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با تحصیل فرزندان» (نازک‌تبار و ویسی، ۱۳۸۷) نگاه‌اشته شده و درخصوص دل‌بستگی و اثرات اجتماعی آن نیز پژوهش‌هایی همانند «سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی در کودکان دختر با دل‌بستگی ایمن و نایمن» (قربانیان و دیگران، ۱۳۹۵) و «نقش پایگاه اجتماعی - اقتصادی و کیفیت دل‌بستگی به والدین در پیش‌بینی رفتار خرابکارانه نوجوانان» (افشاریان، ۱۳۹۴) صورت گرفته، در زمینه اندیشه تربیتی امام موسی صدر پژوهشی انجام نشده و تنها منتخبی از سخنان ایشان در مقاله «شیوه‌های تربیتی و مبادی دین، گزیده‌ای از سخنان امام موسی صدر» (خسروجردی، ۱۳۹۴) به چاپ رسیده است. مقاله حاضر سه مفهوم بنیادین دل‌بستگی ایمن در علوم تربیتی، سرمایه اجتماعی در علوم اجتماعی و اندیشه تربیتی امام موسی صدر در علوم قرآن و حدیث را به صورت تلفیقی بررسی می‌کند. گفتنی است تاکنون هیچ پژوهش مشابهی در دو یا هر سه زمینه مورد نظر سامان نیافته است.

آنچه پژوهش حاضر را بایسته می‌نماید این است که از کلیدی‌ترین ویژگی‌های اندیشه امام موسی صدر، درک مقتضیات زمان در عصر جدید و آگاهی او از توان دین در پاسخگویی به نیازهای انسان معاصر و حل مشکلات در جامعه مدرن است. او توانست با

حضور آگاهانه و اندیشه‌ای فراتر از زمانه خویش خدمات ماندگاری در عرصه‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی از خود به جای گذارد.

در منظومه فکری امام صدر اندیشه‌های تربیتی جایگاه ویژه‌ای دارد و از او سخنان قابل توجهی درباره تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان در نشریات و روزنامه‌ها لبنانی به چاپ رسیده است.^۱ او در تاریخ ۱۹۷۰/۴/۲۱م در سخنانی مسائلی درخصوص خانواده، تربیت کودک، تأثیر حضور مداوم مادر در کنار فرزند و عوامل پیوند و گسست نسل‌ها مطرح و از خلال آن جامعه‌ای آرمانی ترسیم می‌کند که اعضای آن بدون چشم‌داشت و برای کسب رضایت خداوند به جامعه خدمت می‌کنند (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۲: ص ۳۴۶). پژوهش حاضر با هدف نمایاندن همانندی بخشی از اندیشه‌های تربیتی امام صدر با نتایج پژوهش‌های جان بالبی^۲ روان‌شناس، روانپزشک و روانکاو انگلیسی که با عنوان «نظریه دلبستگی»^۳ در سال ۱۹۶۹ ارائه شده، به نگارش درآمده است.^۴ در صورت اثبات این مدعا می‌توان این همانندی را گویای آن دانست که عالمی دینی با تکیه بر منابع اصیل دینی، تعقل با علم روز و تفکر در احوال انسان و جامعه می‌تواند نظریاتی ارائه کند که هم‌تراز یافته‌های صاحب‌نظران ممتاز حوزه‌های علمی باشد. با این حال نگارنده تمایز فرضیه امام صدر با نظریه جان بالبی را کتمان نمی‌کند.

۲. مفهوم‌شناسی

برخی کلیدواژه‌ها یا مباحث بنیادین که در این پژوهش پیش از پرداختن به مسأله تحقیق باید بررسی شوند، عبارت‌اند از تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی، تبیین سرمایه اجتماعی در خانواده و نظریه دلبستگی که به صورت گذرا در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۱. برای نمونه مقالات و سخنانی از امام موسی صدر در مجله البشائر، ۱۳/۳/۱۹۷۵، مجله عرفان شماره ۸ و ۹ نوامبر ۱۹۷۲؛ روزنامه الحیاه ۱۴/۱۱/۱۹۷۲ و ۸/۳/۱۹۷۵ و مقاله‌ای با عنوان «الاسلام و تنظیم الاسره» در دسامبر ۱۹۷۱ در مراکش ارائه شده است.

2. John Bowlby.

3. Attachment Theory.

۴. کتاب بالبی در سال ۱۹۷۳ منتشر شد (اتکینسون و دیگران، ۱۳۸۵: ص ۱۲۲).

۱-۲. سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از مفاهیم پایه‌ای علوم اجتماعی است که همانند دیگر مفاهیم این حوزه ریشه در سنت تفکر غربی یا به عبارتی لیبرالیسم دارد و دغدغه اصلی آن بیشترین بهره‌مندی با کمترین محدودیت است.

سرمایه اجتماعی به‌طور کلی بر روابط میان انسان‌ها تمرکز دارد. روابطی که در تمام لحظات زندگی روزمره و در طول عمر انسان‌ها جریان دارد و رفتار و نگرش آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین لحاظ سرمایه اجتماعی در هر جایی حاضر است، چه در رفتار با نزدیکان و دوستان در خانه، مدرسه و دانشگاه، چه در رفتار با همکاران و آشنایان در محل کار و چه در رفتار با مردم در جامعه (علمی، شارع‌پور و حسینی، ۱۳۸۴: ص ۲۴۰). این مفهوم موجب ارتقای همکاری اعضای جامعه می‌شود و سطح هزینه‌های تبادل و ارتباطات را کاهش می‌دهد (عبدالملکی و دیگران، ۱۳۹۶: ص ۱۳۹-۱۴۰).

در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی حاکم است، ابزارهایی چون زور و کنترل رسمی ضرورت خود را از دست می‌دهند و افراد بر پایه حسن ظن در روابط اجتماعی به مبادلات در جامعه می‌پردازند؛ بنابراین یکی از دغدغه‌های هر جامعه کاهش سرمایه اجتماعی در آن است؛ چرا که مانع تداوم و تقویت همکاری و گسترش تعاملات در جامعه می‌شود که در این صورت فردگرایی و به دنبال آن منفعت‌طلبی در جامعه رواج می‌یابد (هاشمی و نوروزی، ۱۳۸۸: ص ۵۲۳-۵۲۴). با این همه کمابیش همه صاحب‌نظران نظریه سرمایه اجتماعی به نوعی به این موضوع اشاره کرده‌اند که این سرمایه به همان اندازه که می‌تواند کنش جمعی را در تعقیب اهداف جمعی مثبت تسهیل کند، می‌تواند به آسان‌سازی آن در راستای منافع گروهی و باندی منتهی شود؛ همچنان که کوهن^۱ موضوع «پیوندهای کور» یا جنبه تاریک سرمایه اجتماعی را مطرح می‌کند و اعتقاد دارد همان‌گونه که سرمایه اجتماعی اعضای گروه را وادار می‌کند کارهای مفید با هم انجام دهند، می‌تواند آنان را به کارهای متعصبانه، انفرادی، کوتاه‌فکرانه و بدبینانه به افراد خارج از گروه وادار کند.

با مروری بر مفهوم سرمایه اجتماعی آشکار می‌شود پژوهشگران به تعریف واحدی

۱. Michael Kuhn جامعه‌شناس آلمانی و رئیس شبکه جهانی علوم اجتماعی و انسانی.

برای آن دست نیافته‌اند؛ اما همگی بر این نکته اتفاق نظر دارند که روابط فرد با دیگران ارزشمند است یا به عبارت بهتر رابطه مهم است؛ اما با جمع‌بندی تعریف‌ها و نظریه‌های گوناگون، سرمایه اجتماعی را به صورت کوتاه و ساده می‌توان چنین تعریف کرد: توانایی کسب منفعت از رابطه‌های «مؤثر» و «اعتماد‌آمیز» میان افراد جامعه (ردادی، ۱۳۸۹: ص ۵۶). این تعریف گرچه ساده و کلی است، بسیار کاربردی و قابل فهم است و پیچیدگی علمی ندارد.

۲-۲. سرمایه اجتماعی خانواده

خانواده مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نهاد اجتماعی موجود در جوامع بشری و اولین محل ارتباط اجتماعی کودک است. کودک اصولاً در چارچوب محیط خانوادگی و برحسب جهت‌گیری روش‌های تربیتی والدین خود است که انتظارات زندگی گروهی را می‌شناسد (وندر زندن، ۱۳۹۵: ص ۱۵۲).

روابط خانوادگی یکی از انواع سرمایه اجتماعی است و از نظر مهم‌ترین نظریه‌پردازان این حوزه همچون بوردیو،^۱ کلمن،^۲ پاتنام^۳ و فوکویاما^۴ خانواده یکی مهم‌ترین منابع تولیدکننده سرمایه اجتماعی است. این نهاد اجتماعی به‌عنوان اولین و عمده‌ترین عامل هنجارپذیری با تمام مسائل و مشکلات اجتماعی ارتباط دارد و می‌تواند در تقویت و رشد سرمایه اجتماعی مؤثر باشد؛ همان‌طور که می‌تواند موجب ضعف و کاهش سرمایه اجتماعی نیز گردد (قاسمی و کاظمی، ۱۳۸۷: ص ۱۹۰).

کلمن سرمایه اجتماعی خانواده را به دو بخش درون خانواده و بیرون از خانواده تقسیم می‌کند. در نظر او سرمایه اجتماعی درون خانواده در روابط خانوادگی نهفته است (پاتنام و دیگران، ۱۳۸۴: ص ۷۵) و با روابط درون محیط اجتماعی خانواده مرتبط می‌شود و شامل اعتماد، اطمینان متقابل و مبادله‌هایی است که اعضای خانواده را درون این اجتماع به

1. Pierre Bourdieu (1930-2002).

2. James Samuel Coleman (1926-1995).

3. Robert D. Putnam (1941).

4. Yoshihiro Francis Fukuyama (1952).

یکدیگر پیوند می‌دهد. سرمایه اجتماعی بیرون خانواده نیز ناشی از پیوندهای اعضای خانواده با خانواده‌های دیگر، اجتماع و دیگر نهادهای اجتماعی به‌شمار می‌آید (رستگار خالد، ۱۳۹۲: ص ۷۲).

۳-۲. نظریه دل‌بستگی

والدین با رفتار خود تأثیرهای بسیاری بر کودک می‌گذارند و می‌توانند اولین پایه‌گذاران شخصیت او باشند؛ برای نمونه کودکانی که والدین همیشه با آنان حرف می‌زنند و برای آنان کتاب می‌خوانند، معمولاً وسیع‌ترین خزانه لغات، بالاترین نمرات هوش و بهترین نمرات درسی را دارند. والدینی که هنگام درخواست اطاعت از کودکان با آنان استدلال می‌کنند، معمولاً فرزندان مدنی‌تر دارند. از نظر روان‌شناسان رابطه قوی والدین با فرزندان موجب می‌شود که آنان بتوانند علاقه، احساس و تعهدشان را به فرزند منتقل کنند (اتکینسون و دیگران، ۱۳۸۵: ص ۱۳۴). این رابطه مثبت و قوی در اجتماعی‌شدن کودک بسیار مؤثر است و باعث می‌شود کودک اهداف والدین را درونی کند (سفیری و شایسته، ۱۳۹۴: ص ۹).

در خانواده و در رابطه والدین با فرزندان، مادر اصلی‌ترین نقش را بر عهده دارد. شروع ارتباط بین مادر و فرزند از زمان بارداری آغاز می‌شود. کودک در این دوره به روحیه و احساسات مادر بسیار حساس و تأثیرپذیر از آن است. تمایل به برقراری ارتباط از ابتدای تولد نیز در نوزاد وجود دارد و با تکامل دوران رشد او، این تمایل بیشتر می‌شود. کودک معمولی در دو ماهگی با دیدن چهره مادر یا پدر خود لبخند می‌زند که ممکن است این لبخند به دلیل تحکیم پیوند بین والدین و کودک، تکامل یافته باشد. معنای این لبخندها برای والدین این است که نوزاد آنان را می‌شناسد و به آنان عشق می‌ورزد و از این طریق والدین را تشویق می‌کند که در واکنش‌هایشان به او محبت بیشتری نشان دهند؛ به این ترتیب نظام تقویتی متقابلی از تعامل اجتماعی ایجاد و حفظ می‌شود (اتکینسون و دیگران، ۱۳۸۵: ص ۱۲۰).

بالبی برای این ارتباط خاص مادر و کودک، واژه «دل‌بستگی» را به کار می‌برد. به عقیده او دوره حساس دل‌بستگی مادر و کودک بین شش ماهگی تا پنج‌سالگی شکل می‌گیرد و

سه‌سالگی کودک نقطه اوج این دوره به شماره می‌رود (تبعه امامی و دیگران، ۱۳۹۰، «الف»:
ص ۸). در واقع دلبستگی پیوند یا گره هیجانی پایدار بین دو فردی است که یکی از طرفین
(کودک) تلاش می‌کند نزدیکی یا مجاورت با چهره دلبستگی (مادر) را حفظ کند و
به گونه‌ای عمل کند تا مطمئن شود ارتباط ادامه می‌یابد. ممکن است تصور شود نیاز
کودک به شیر مادر دلیل شکل‌گیری این فرایند است؛ اما نکته قابل توجه این است که در
دلبستگی مادر-فرزندی چیزی فراتر از نیاز به غذا مطرح است (اتکینسون و دیگران، ۱۳۸۵:
ص ۱۲۱). ماری آینسورث (۱۹۷۸)^۱ روان‌شناسی امریکایی-کانادایی که یکی از محققان
برجسته در زمینه دلبستگی است با کشف سه الگوی دلبستگی در کودکان این نکته را
تشریح کرده است. این سه الگو شامل ناایمن اجتنابی،^۲ ایمن^۳ و ناایمن دوسوگرا^۴ است.
این دسته‌بندی‌ها ظاهراً به سه دسته از رفتار والدین مربوط می‌شوند که به ترتیب شامل
غیر پاسخگویی باثبات،^۵ پاسخگویی باثبات^۶ و غیر پاسخگویی بی‌ثبات^۷ است (اتکینسون و
گلدبرگ، ۱۳۹۱: ص ۱۴-۱۵). به‌طور کلی به نظر می‌رسد رفتار مادر مهم‌ترین عامل را در
تکوین دلبستگی ایمن یا ناایمن بر عهده دارد (اتکینسون و دیگران، ۱۳۸۵: ص ۱۲۴)، تا آنجا که
میزان «حساسیت مادری» به تلاش‌های کودک برای رسیدن به آرامش و امنیت، کیفیت و
نوع دلبستگی کودک به مادر را تعیین می‌کند. مقصود از «حساسیت مادری» آگاهی از
علائم کودک و تفسیر صحیح از آنها، پاسخ‌دهی مناسب و به‌موقع و قابل دسترس بودن مادر
به‌عنوان «چهره دلبستگی» است (تبعه امامی و دیگران، ۱۳۹۰، «ب»: ص ۲۹۶). کودک همواره
نیازهای خود را با نشانه‌هایی بروز می‌دهد که بیانگر نیازهای وی‌اند. مادر این نشانه‌ها را
می‌فهمد و به آنها پاسخ مناسب می‌دهد. این نشانه‌ها می‌توانند دربرگیرنده نیازها یا شرایط
درونی همچون ناراحتی، نیاز به در آغوش گرفته شدن و گرسنگی باشند بوده و پاسخ به

1. Mary Anisworth.
2. Avoidant.
3. Securely attached.
4. Ambivalent.
5. Consistently unresponsive.
6. Consistently Responsive.
7. Inconsistently Unresponsive.

آنها می‌توانند دربرگیرنده تماس بدنی، تماس چشمی، صحبت کردن یا درآغوش کشیدن باشند (قنبری و دیگران، ۱۳۹۲: ص ۴۰۹). مادر حساس به‌طور صحیحی به پریشانی کودک، با مشخص کردن منبع پریشانی و کنترل فعالیت و توجه به کودک، پاسخگو است و ضمن تأیید عملکردهای کودک، زمینه و فضای توأم با آرامش و امنیت را فراهم می‌آورد. در این فضا کودک مادر را منبع عشق، آرامش و امنیت خود می‌یابد و کمترین حد پریشانی و اضطراب را در طول دوران مراقبت تجربه خواهد کرد (تبعه امامی و دیگران، ۱۳۹۰، «ب»: ص ۳۰۵).

یافته‌های محققان نشان می‌دهد هرچه پذیرش مادران در برابر کودکان خود بالاتر باشد، محیط آنان غنی‌تر و امن‌تر خواهد بود. مادران کودکانِ دلبسته ایمن نسبت به مادران کودکان ناایمن، از نظر خلقی مثبت‌تر و در ایجاد جوی راحت، شاد و آرام در خانه در سطح بالاتری قرار دارند (همان، «الف»: ص ۸). در صورتی که مادر نتواند یک ارتباط گرم، حساس و پاسخ‌دهنده را طی سال‌های اول زندگی کودک ایجاد کند مشکلات رفتاری پایداری در کودک ایجاد می‌شود (همان، «ب»: ص ۲۹۵). مراقبت عاشقانه و گرم منجر به شکل‌گیری عقاید مثبت برای کودک می‌شود، به نحوی که خود را لایق و دوست‌داشتنی و مراقبان خود را قابل اعتماد، ارزشمند، مراقب و پاسخگو می‌بیند. این نگرش منجر به ایجاد دلبستگی ایمن خواهد شد. همچنین روان‌شناسان ادعا می‌کنند مسئولیت‌پذیری مادر سبب می‌شود کودک امنیت را تجربه کند و مادر خود را پایه امنی برای نیازها، بازی و ابراز احساسات خود بداند (همان: صص ۳۰۴ و ۳۰۷).

۱-۳-۲. رابطه دلبستگی و سرمایه اجتماعی درون خانواده

جامعه‌شناسان بر زمان و کوششی که والدین از طریق پیوندهای مؤثر بین خود و فرزندان‌شان سرمایه‌گذاری می‌کنند، تأکید دارند و آن را شامل رفتارهایی نظیر صحبت کردن، کار کردن و مشارکت با آنان در انجام امورشان می‌دانند؛ فعالیت‌هایی که بیش از هر چیز مستلزم دسترسی فیزیکی فرزندان به والدین و درگیری روانی والدین با فرزندان است (رستگار خالد، ۱۳۹۲: ص ۷۳). وقتی کودک و والدین در فعالیت‌های یکدیگر درگیر می‌شوند، والدین فرصت می‌یابند با باورهای کودکان‌شان سهیم شوند، دیده‌ها و

رفتارهای کودکانشان را به‌طور صحیح ارزیابی کنند و به‌طور بالقوه آنها را تصحیح کنند. هم‌زمان کودکان نیز قادر می‌شوند رفتارهای والدینشان را مشاهده و ایده‌های آنها را بشنوند و تلاش کنند ایده‌های خود را ابراز نمایند و بازخوردهایی را که از والدینشان دریافت می‌کنند، ارزیابی کنند (همان: ص ۶۸).

گفته شد که رابطه بین مادر و کودک که از ساعات اولیه تولد کودک شکل می‌گیرد، «دلبستگی» نام دارد. این رابطه دوسویه «دلبستگی» به سبب ساخت الگوهای روانی خاص مبنای روابط بین‌فردی در بزرگسالی است (امانی و دیگران، ۱۳۹۱: ص ۱۶) و می‌توان آن را نوعی از سرمایه اجتماعی درون خانواده دانست. سبک‌های دلبستگی به‌عنوان نوعی سرمایه اجتماعی درون خانواده، پایه و اساس شکل‌گیری سرمایه اجتماعی بیرون خانواده است. از آنجایی که انتقال ارزش‌ها در طول فعالیت‌های سازنده مشترک بین والد و کودک رخ می‌دهد، حضور مداوم و مؤثر والدین به‌خصوص مادر در کنار فرزند در جهت برقراری و تحکیم رابطه دلبستگی برای تولید و انتقال سرمایه اجتماعی که در آن‌ها رخ می‌دهد، از مادر به کودک منتقل می‌شود، بسیار قابل اهمیت و ضروری است.

۲-۳-۲. رابطه دلبستگی و سرمایه اجتماعی بیرون خانواده

دلبستگی مادر-کودک، مبنای روابط بین‌فردی در بزرگسالی است. تحقیقات متعددی بر وجود رابطه بین سبک‌های دلبستگی و کسب مهارت‌های موثر ارتباطی، کفایت اجتماعی (واحدی و مرادی، ۱۳۸۸: صص ۲۲۴ و ۲۳۰)، مشکلات رفتاری، رفتارهای ضد اجتماعی (حسنی و سهرابی، ۱۳۸۴: صص ۱۲۶ و ۱۳۴) و سازگاری روانی و اجتماعی فرد (امانی و دیگران، ۱۳۹۱: ص ۱۶) وجود دارد که به‌گونه‌ای عمیق در ویژگی‌های بهنجار و نابهنجار روابط بین‌فردی تأثیرگذار است؛ بنابراین دلبستگی ضعیف فرصت‌هایی را که کودکان به تمرین مهارت‌های اجتماعی مؤثر می‌پردازند، محدود می‌کند و طبیعی است که این فرایند در افزایش بازداری از اجتماع، اضطراب اجتماعی و درنهایت تضعیف سرمایه اجتماعی نقش ایفا می‌کند (ر.ک: خراشادی‌زاده، شهابی‌زاده و دستجردی، ۱۳۹۰: ص ۴۴).

کودکان دلبسته ایمن اغلب آمادگی بیشتری برای رویارویی با تجارب و روابط جدید دارند. آنان برای حل مسائل دشوار پشتکار و اشتیاق نشان می‌دهند و به جای گریه کردن و

عصبانی شدن از بزرگسالان کمک می‌گیرند؛ اما کودکان دلبسته ناایمن در حل مسائل به سادگی دچار خشم و ناکامی می‌شوند، به ندرت تقاضای کمک می‌کنند و رهنمودهای بزرگسالان را یا نادیده می‌گیرند یا قبول نمی‌کنند و خیلی زود از تلاش در جهت حل مسأله دست می‌کشند (اتکینسون و دیگران، ۱۳۸۵: ص ۱۲۴). این کودکان در شروع و تداوم تعاملات اجتماعی موفقیت‌آمیز، آسیب‌پذیرند و دچار گوشه‌گیری اجتماعی و دوری از همسالان می‌شوند (خراشادی‌زاده، شهابی‌زاده و دستجردی، ۱۳۹۰: ص ۴۴). بسیاری از روان‌آزردگی‌ها و اختلالات شخصیتی نتیجه محرومیت کودک از یک رابطه گرم، صمیمانه و باثبات با چهره دلبستگی است (تبعه امامی و دیگران، ۱۳۹۰، «الف»: ص ۸). تحقیقات علمی نیز نشان‌دهنده این نکته است که ناتوانی کودک در برقراری پیوند دلبستگی ایمن با یک یا چند نفر در سال‌های اولیه زندگی با ناتوانی کودک در برقراری روابط فردی نزدیک در دوره بزرگسالی ارتباط نزدیک دارد (اتکینسون و دیگران، ۱۳۸۵: ص ۱۲۲)؛ چراکه دلبستگی ایمن سرآغاز تحول بهینه در بسیاری از قلمروهای اجتماعی هیجانی است (قنبری و دیگران، ۱۳۹۲: ص ۴۰۸)؛ بر همین اساس و بنابر نظر جامعه‌شناسان سرمایه اجتماعی، خانواده و روابط متقابل و مثبت والدین و فرزندان به کودکان اجازه می‌دهد تا سرمایه مالی و انسانی موجود در محیط خانه را به سرمایه انسانی یا دیگر سرمایه‌های وابسته مرتبط که به بهبود شرایط می‌انجامد منتقل کنند و تأکید دارند بدون روابط دوجانبه مثبت میان والدین و فرزندان هیچ راهی برای انتقال سرمایه مالی و انسانی به فرزندان وجود ندارد (نازک‌تبار و ویسی، ۱۳۸۷: ص ۱۲۵).

مشکلات رفتاری و رفتارهای ضد اجتماعی که در صورت عدم شکل‌گیری دلبستگی ایمن در افراد به وجود می‌آید، موجب می‌شود اعتماد افراد به هم به حداقل برسد و روابط بین افراد در جامعه به جای عمیق‌بودن، سطحی، بی‌روح و محدود شود و افراد توانایی کسب منفعت از رابطه با یکدیگر را نداشته باشند که با توجه به مفهوم سرمایه اجتماعی این اتفاق موجب ضعف و کاهش سرمایه اجتماعی می‌گردد.

طی چند دهه گذشته فرسایش شدیدی در سرمایه اجتماعی موجود برای جوانان هم در خانواده و هم در بیرون از آن روی داده است. در خانواده رشد سرمایه انسانی که بر عوامل فردی تمرکز دارد، بسیار زیاد شده است به طوری که سطح تحصیلات همواره در حال

افزایش است؛ ولی به موازات رشد سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی که بر روابط متقابل انسانی متمرکز است و شاخص برجسته آن حضور بزرگسالان در خانه و میزان گفتگو در موضوعات اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی بین والدین و فرزندان است، کاهش یافته است (شارع‌پور، ۱۳۸۷: ص ۳۲۰). گفتنی است رشد فردگرایی و تقدم مصالح فردی بر مصالح خانوادگی علاوه بر نتایج مهمی که در عدم شکل‌گیری روابط مطلوب درون خانواده دارد، منجر به پیدایش نارسایی‌ها و گسست‌های اجتماعی و منبع اصلی فزونی انواع آسیب‌های اجتماعی خواهد شد.

۳. یافته‌ها و بحث و تحلیل

۳-۱. اندیشه تربیتی امام موسی صدر و نظریه دل‌بستگی

در اندیشه امام موسی صدر دین قوانینی برای بهره‌وری از جهان با هدف داشتن حیات طیبه و پاکیزه برای خدمت به انسان و نجات بخشی او از اختلافات ویرانگر و پیمودن راه صلح و دوستی است (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱: ص ۱۸۷ و ج ۱۱: ص ۱۳). او تربیت را اساسی‌ترین مسئله همه ادیان می‌داند و بر این باور است که دین به‌سان نیروی دربردارنده رشد و تکامل همه ابعاد وجود انسان، تغییر مفاهیم و ذهنیت مردم، دگرگونی آداب و رسوم و به عبارت خلاصه از نو ساختن انسان را به دنبال خواهد داشت. صدر تربیت را مهم‌ترین عامل هر مکتب برمی‌شمرد و آن زمانی امکان‌پذیر می‌داند که جامعه‌ای انسانی و برای صیانت از شخصیت انسان فراهم شده باشد (همان، ج ۱۱: صص ۱۳ و ۱۴۸).

جامعه مورد نظر صدر از مجموع پیوندها^۱ و روابطی تشکیل می‌شود که پیکر جامعه جسم افراد و دادوستد روح آن و از واقعیت انسان سرچشمه گرفته است؛ انسانی که اساس اجتماع و غایت آن است و در آفرینش، در حیات، در نیازمندی‌ها، در اندیشه و تفکر و در همه جنبه‌های حیات خویش، موجودی اجتماعی است و با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، تعامل و تأثیر متقابل دارد (همان، ج ۳: ص ۳۶۳). او جامعه را برخاسته از چهار رابطه اساسی می‌داند: رابطه افراد با یکدیگر یا همان حقوق مدنی، رابطه خانواده‌ها، شهرها و

۱. مقصود امام موسی صدر از این پیوندها همان رفتار و کردار انسان است (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱۱: ص ۱۲۷).

گروه‌ها با یکدیگر یا همان حقوق اداری، رابطه مردم با حکومت و در نهایت ارتباط جوامع با یکدیگر یا همان حقوق بین‌الملل (همان، ج ۱۱: صص ۴۳۲ و ۴۳۴).

در این میان صدر به خانواده نگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا از تحولات اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و به سهم خود در جامعه تأثیر می‌گذارد، تا جایی که وضع خانواده و اتفاقات آن در جامعه بزرگ انعکاس پیدا می‌کند.

از نظر او خانواده، جامعه انسانی زنده‌ای است که ارتباط افراد آن از طریق عطای مطلق و بدون محدودیت و ارزش‌گذاری برقرار می‌شود. او معتقد است اسلام در روابط خانوادگی چارچوبی تعیین می‌کند تا بقای آن را تضمین و ایدئولوژی کلی اجتماعی را مصون دارد؛ به همین سبب نگهداری از فرزندان و تربیت آنان را بر والدین واجب و از طرفی احسان و احترام به والدین را بر فرزند واجب کرده است (همان، ج ۳: صص ۹۲-۹۴).

در اندیشه صدر مادر برای کودک پنجره‌ای رو به دنیا است که بر پایه شخصیت او بینش راهبردی و عواطف اصیل و مفهوم هر چیزی در طبیعت و فراتر از آن برای کودک شکل می‌گیرد؛ زیرا مادر اولین کسی است که کودک در لحظات نخست زندگی، او را به‌عنوان پایگاهی امن در مقابل خود می‌یابد. او معتقد است وقتی مادر در مادری کردن، بی‌حد و مرز و در دهش و بخشندگی ذوب شده باشد و در برابر نیازهای فرزندش خود را نادیده بگیرد، کودکی پرورش می‌یابد که به خدای مطلق و بی‌انتها و ارزش‌های والا ایمان دارد و این ایمان در عقل و دل او ریشه دوانده است؛ زیرا با ارزش‌ها و جامعه‌ای که چنین مادری نماد آن است، در ارتباط بوده است. این گونه است که کودک با ایمان به الگوهای آرمانی و نیز یافتن خود در جامعه رشد می‌کند و جزئی از جامعه پدر و مادر و تکمیل‌کننده آن می‌شود (همان: ۱۵۱). صدر مادر را وجودی می‌شناسد که وظیفه خود را به شکل مطلق و نامحدود انجام می‌دهد و بی‌حساب می‌بخشد، همیشه در دسترس است و به نیازهای کودک مناسب‌ترین پاسخ را می‌دهد. خدمت او بی‌چشم‌داشت و محبتش همچون محبت بی‌انتهای خداوندی از عاطفه‌ای عمیق و گسست‌ناپذیر برخوردار است (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۵: ص ۲۱۱). امام موسی صدر از این حس مطلق مادری با تعبیر «وجه الله»^۱ در روی زمین یاد

۱. این تعبیر امام موسی صدر برگرفته از آیات ۱۱۵ و ۲۷۲ سوره بقره، ۳۸ و ۳۹ سوره روم و ۹ سوره انسان است.

می‌کند (همان، ج ۳: ص ۱۶۲-۱۶۳) و بر این باور است که کودک سخت نیازمند آن است که «وجه الله» را ابتدا در چهره مادرش ببیند. مادری که وجود و جسم و آرامش و خواب و همه چیز خود را برای کودک فدا می‌کند تا او را تربیت کند (همان، ج ۲: ص ۳۴۶ و ج ۳: ص ۱۵۲).

در باور او نیازهای روبه‌رشد زندگی و همچنین خودخواهی و خودپرستی انسان در جامعه پیشرفته باعث شده است که روابط بین والدین و فرزندان به شدت آسیب‌پذیر باشد. کودک در حالی که به سرپرستی مستمر و کامل والدین نیاز دارد، خود را تحت سرپرستی جانشین آنان اعم از مؤسسات یا اشخاص می‌بیند که جز در اوقات محدود و معین و با هزینه‌هایی مشخص صورت نمی‌گیرد؛ زیرا پدر برای تأمین مخارج خانواده ساعات کمتری در خانه حضور دارد. مادر هم در فکر استقلال مادی از وظیفه خود شانه خالی کرده و جایگاه خویش را با مقداری پول به دایه یا معلم واگذار می‌کند و این معنایی جز تجاری شدن «مادری کردن» ندارد. همان مادری که بی حساب و مطلق می‌بخشید و کودک در او «وجه الله» را می‌یافت، به امری مقید و محدود تبدیل شده است (همان، ج ۳: ص ۹۲ و ج ۵: ص ۲۱۱). صدر معتقد است وقتی کودک خود را در برابر کسی که دوستش داشته باشد نمی‌یابد، روابط او با والدینش به شدت آسیب می‌بیند (همان، ج ۲: ص ۳۴۷)؛ آسیبی که بر اساس نظریه دلبستگی موجب شکل‌گیری دلبستگی نایمن می‌شود.

۲-۳. گسست نسل‌ها و زوال سرمایه اجتماعی در اندیشه امام موسی صدر

سرمایه اجتماعی و عوامل زوال آن از دیرباز یکی از دغدغه‌های جدی دانشمندان بوده است. به اعتقاد پاتنام تغییر نسل یکی از عوامل عمده زوال سرمایه اجتماعی در جوامع انسانی است. او معتقد است تغییر نسل سبب می‌شود تا زبان مشترک بین گروه‌های مختلف بین‌نسلی وجود نداشته باشد و درک مشترک درباره مسائل جامعه به وجود نیاید و در نتیجه از ظرفیت‌های نسل‌های مختلف برای حل مشکلات جامعه استفاده نگردد (محمدی، ۱۳۸۴: ص ۶۹-۷۰).

بر اساس دیدگاه صدر برقرار نشدن پیوند عاطفی مستحکم بین اعضای خانواده و در نتیجه شکل نگرفتن دلبستگی ایمن در کودکان می‌تواند پدیده گسست نسل‌ها را به دنبال

داشته باشد. او تفاوت نسل‌ها را امری طبیعی می‌داند و معتقد است در گذشته هیچگاه پیوند و ارتباط نسل‌های متوالی با یکدیگر ارتباط فکری با وحدت ذهنی نبوده، بلکه در باورها و اندیشه‌ها با یکدیگر متفاوت بودند. صدر باورمند است عامل اساسی تکامل و خروج از جمود همین تفاوت اندیشه نسل‌ها است. این «پیوند عاطفی» یا همان «همدلی»^۱ بین نسل‌ها در کنار تفاوت فکری آنان از نظر او راه پیشرفت جامعه، پویایی و ساختن دوباره آن بر روی پایه‌های گذشته است؛ بنابراین ارتباط کودک با نسل قبلی ارتباطی از سر وفاداری و احساس مسئولیت است و نتیجه آن سرمایه اجتماعی است که بر پایه تجربه نسل قدیم و انگیزه نسل جدید به وجود می‌آید (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۲: ص ۳۴۷).

صدر از تغییر نسل‌ها در دنیای امروز که با گسست عاطفی همراه است با عنوان فاجعه بزرگ انسانی و خطری جدی یاد می‌کند. در این وضعیت تسلط و کنترل خانواده بر فرزندان از دست می‌رود و به تبع آن روابط اجتماعی نیز به تعاملی ابزاری و غیرانسانی و بی‌روح تبدیل می‌شود. در باور او با گسست عاطفی میان نسل‌ها فرزند برای پدر و مادر و دستاوردهای آنان [همچون قانون] احترامی قائل نیست؛ چرا که گذشته را دوست ندارد و با آن متقاعد نمی‌شود (همان، ج ۵: ص ۲۱۰-۲۱۱) پس [بی‌توجه به داشته‌ها و اندوخته‌های نسل پیش] از صفر شروع می‌کند. صدر یکی از دلایل بی‌توجهی نسل امروز به قانون را در فقدان پیوند عاطفی یا عقلانی با نسل گذشته می‌بیند؛ زیرا به نسل قبل و دستاوردهای آنان بی‌تعلق است و آنان را دوست ندارد و وقتی آنان را دوست نداشته باشد، به قانون احترام نمی‌گذارد و در برابر آن احساس مسئولیت نمی‌کند. افزون بر آن وقتی در برابر خود هیچ ارزش مطلق و نامحدودی نداشته باشد، در برابر خواسته‌ها و گرایش‌های خود به شکل مطلق و نامحدود تسلیم می‌شود و به هر سویی که تمایلات او را بکشاند می‌رود و این اتفاق به بی‌مسئولیتی می‌انجامد (همان، ج ۲: ص ۳۴۷).

رابطه عاطفی مستحکم بین نسل‌ها در نظر صدر جز با عطا و بخشش تام و تمام پیشینیان به وجود نمی‌آید. پدر یا مادر با انجام مطلق و نامحدود مسئولیت‌های خود نسل نو را چنان غرق در محبت و بخشش می‌کند که او از جبران عاجز و ناتوان می‌ماند. رشد کودک در

1. empathy.

این شرایط با وجودی مملو از محبت و احترام صورت می‌گیرد و زمینه ارتباطی محکم و از سر وفاداری و احساس مسئولیت را با نسل گذشته فراهم می‌کند (همان، ج ۳: ص ۹۳). امام موسی صدر معتقد است وقتی معیار رفتار مادر طبق مصلحت خود باشد، بخشش او به کودک و نسل آینده محدود و نسبی می‌شود و همچنین بخشش این کودک نیز برای آینده محدود و نسبی خواهد بود (همان: ص ۱۶۲). صدر از رفتار پدری که نقش پدرانه او محدود و ناقص است، آموزگاری که کار آموزش را به کالایی برای فروش و اجاره تبدیل می‌کند و پزشکی که بی‌توجه به وظیفه انسانی مطب خود را دفتری تجاری برای فروش درمان قرار می‌دهد، به‌عنوان دلایل دیگری از گسست عاطفی نسل‌ها یاد می‌کند (همان: ص ۱۵۲). او از همین زاویه نیز نظری به تربیت دینی دارد. از نگاه صدر در گذشته روحانی بی‌هیچ چشم‌داشتی انسان‌ها را از کودکی با ارزش‌ها تغذیه می‌کرد تا انسانی بسازد که قادر باشد با دیگران همبستگی و ارتباط برقرار کند و در نتیجه جامعه‌ای یکپارچه و هماهنگ پدید آورند. این نقش مهم همان بخشش مطلق و نامحدود است، در آمدن از پرستش معبود نفس و نادیده گرفتن مصلحت خویش (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۳ ص ۱۶۳). بی‌مانگی صدر در این دوران، از مشقت کار روحانیت است؛ چراکه جامعه نقش او را نادیده می‌گیرد و همه چیز از او می‌خواهد جز وظیفه و تخصص و او را عنصری می‌خواهد که نقش اصلی خود را رها کند و در جهتی حرکت کند که برای او تعیین شده است (همان: ص ۱۶۰).

صدر حرکات خشونت‌آمیز نسل روبه‌رشد عصر ما را نیز از همین زاویه تفسیرشدنی می‌داند و بر این نکته تأکید می‌کند که نسل جدیدی که از حس مادری و پدری بهره‌ای اندک برده یا اینکه حس مادری و پدری برای او خریداری شده باشد، برای نسل‌های بعد به همین شکل رفتار خواهد کرد. در نتیجه نه تنها جایگاه والدین، بلکه جایگاه همه هستی در دیدگاه و احساس کودک تنزل می‌یابد. کودک والدین و هستی را صاحب قدر و قیمت محدود می‌یابد و به همین علت روابط او با نسل قدیم دچار تزلزل می‌شود (همان، ج ۲: ص ۹۲).

۳-۳. مستندات قرآنی و روایی اندیشه تربیتی امام موسی صدر

صدر با استفاده از مفهوم آیه شریفه «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ» (حج: ۱۸)،

هستی را محرابی بزرگ می‌داند که همه چیز در برابر خدا سجده می‌کند و او را سپاس می‌گوید، برای او نماز می‌خواند و به درگاه او نیاز می‌آورد. گویا جهان مسجدی واحد برای خداوند است (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱۲: ص ۷۰). او هر موجودی در عالم و هر گوشه‌ای از این هستی را عهده‌دار وظیفه‌ای می‌داند و معتقد است از نگاه انسان متدین که هستی را زنده می‌بیند و خالق هستی را عاقل، این جهان وظیفه خود را به خوبی ادا می‌کند. قرآن نیز از این مسئله تعبیر به سجود می‌کند؛ زیرا سجود منتهای تواضع و فروتنی و فرمانبری است (همان: ص ۳۳۹). صدر با تفسیری بدیع و متفاوت از این آیه شریفه سجده موجودات برای خداوند را فرمانبری و ایفای نقشی می‌داند که در جهان هستی بر عهده آنها گذاشته شده است (همان: ص ۷۰)؛ به این معنا که خورشید و ماه و ستارگان و درختان چهارپایان و همه موجودات به صورت دقیق و منظم وظیفه‌ای را ادا می‌کنند که در جهان بر عهده‌شان نهاده شده است و اگر انسان می‌خواهد با جهان بزرگ هماهنگ باشد، وظیفه دارد که در این محراب بزرگ سر به سجده برد (همان، ج ۲: ص ۲۹۰). بر اساس همین دیدگاه، صدر معتقد است پدر و مادر نیز با انجام وظایف خود در قبال تربیت شایسته فرزند، همنوا با دیگر موجودات هستی سجده‌گزار خالق هستی‌اند (همان، ج ۱: ص ۲۵۷ و ج ۳: ص ۹۴ و ج ۱۱: ص ۳۱۲).

بدین ترتیب صدر با یادآوری وجوب سرپرستی و پرورش کودکان بر والدینشان در اسلام، تربیت کودک را برابر با رسالت انسان در زندگی می‌داند و بر این باور است که فرد از طریق تربیت فرزند خویش نمونه‌ای از خود می‌سازد تا تحقق رسالت را بر عهده گیرد (همان، ج ۳: ص ۹۴). او با استناد به احادیث «جَهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ: جهاد زن، خوب شوهرداری است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ص ۹) و «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ: بهشت زیر پای مادران است» (مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۶ق، ج ۹: ص ۱۹)، هر گام زن در خانه، چه برای تربیت و شیردادن فرزند باشد و چه قدمی برای کاستن از خستگی همسر، همه را سجده می‌داند و معتقد است زن با خدمت مخلصانه به همسر و فرزندان خدا را از رهگذر خدمت به بندگانش عبادت کرده است.

صدر با استناد به حدیث «حَيْرٌ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمُ الْيُيُوثُ: بهترین مسجد زنان همان خانه‌های ایشان است» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ص ۲۳۸)، برای زن (مادر) ارزش و قداست

خاصی قائل است و شأن او را تا حدی والا می‌داند که محل زندگی و انجام وظیفه‌اش را همانند مسجد مقدس و پربرکت می‌خواند. عموم علمای شیعه گفته‌اند حدیث «خَيْرُ مَسَاجِدٍ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتُ» بر عدم حضور زنان در مسجد دلالت دارد. علامه حلی رفتن به مسجد را مختص مردان دانسته است نه زنان؛ زیرا به زنان دستور پوشش و پنهان‌شدن داده شده است (حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ص ۳۵۳). علامه مجلسی در شرح حدیث بالا می‌گوید «این کار به عصمت و پوشیده‌بودن زنان نزدیک‌تر است». دیده‌نشدن زنان توسط مردان و بالعکس دلیل دیگری است که ایشان برای این حدیث ذکر می‌کند (مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۶، ج ۲: صص ۱۰۷ و ۴۷۹). شهید ثانی نیز در توضیح معنای این حدیث می‌گوید: «نمازخواندن زنان در خانه افضل از رفتن آنان به مسجد است یا به این معنا است که فضیلت نماز زنان در خانه مثل مسجد است و نیازی به رفتن به مسجد نیست...» (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ص ۵۳۸). مرحوم سیدمحمد کاظم طباطبایی نیز نماز زن در خانه را بهتر از نماز او در مسجد می‌داند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ص ۶۰۰). امام خمینی علیه السلام معتقد است اگر زنان بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، مسئله ۸۹۴).

در مقابل نگاه فقهی شارحان، صدر با نگاهی اجتماعی به حدیث بالا، بر این باور است که اگر نیت زن خالص و مصلحت عمومی باشد، هر کار و اقدامی که در منزل انجام می‌دهد، همچون شب‌بیداری او برای مراقبت از فرزندش و کمک به همسر، همه نماز و سجده محسوب می‌شود و زن می‌تواند زندگی خانوادگی خویش را به عبادت و نماز و سجده تبدیل کند. از نظر ایشان خانه می‌تواند برای زن مسجد باشد (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱: صص ۲۵۷ و ۳: ص ۹۴ و ج ۱۱: ص ۳۱۲).

صدر با استناد به آیه «وَ ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ؛ وَ بَا أَنْجَحَ خَدَايْتِ دَادَهُ، سِرَايَ آخِرَتِ رَا بَجْوَى» (قصص: ۷۷) و سیره امیرالمؤمنین، تأکید می‌کند تلاش اسلام تبدیل همه زندگی مؤمن به عبادت و سجود و تسبیح و نماز است و آن را از طریق درستی نیت و بلندی کار و انجام درست آن ممکن می‌داند (همان، ج ۱۱: ص ۳۱۱). بنابر نظر او مادر یا پدر با نیت و قصد تقرب به خدا می‌تواند همه زندگی خود را به سجده‌ای دائم تبدیل کند و همیشه متصل به خداوند و در محراب بزرگ هستی در حال عبادت باشد. او تأکید دین بر

لزوم توجه به جنبه عبادی اعمال را برای آسان و دلچسب شدن کارهای سخت و دشوار در نظر افراد و اطمینان صددرصد انسان به موفقیت می‌داند (همان، ج ۱: ص ۲۵۶-۲۵۷). با این دیدگاه، والدین به خصوص مادر تربیت صحیح فرزند را با انگیزه بیشتری انجام می‌دهند و زحمات خود را مأجور می‌دانند و شادابی و نشاط خود را از دست نمی‌دهند.

بر اساس نظریه دلبستگی چنان که ملاحظه شد، کودکان دلبسته ایمن مادران شاداب‌تر و مثبت‌تری دارند. چهره دلبستگی مطلوب و منظور صدر یا همان «وجه الله» نیز با ایمان به چشم همیشه بیدار خدا در تلاش برای تربیت شایسته کودک نه خسته می‌شود و نه دستخوش کینه و قهر. از چیزی هم متأثر و متألم نمی‌شود؛ بنابراین اجر و پاداش را از خدا می‌خواهد نه از شخصی که به او احسان کرده و خیر و سود را در نزد خدا می‌جوید، نه از راهی که در پیش گرفته است؛ بنابراین در همه کارهای خویش جز زیبایی نمی‌بیند. بر پایه دیدگاه صدر این گونه مادر جاودانه می‌شود؛ زیرا جاودانگی حقیقی، در ماندگاری نام نیست، بلکه در کسب رضایت خدا است و اینکه انسان نامش در کتاب خدا ثبت شود. این معنای جاودانگی است که انسان به دست می‌آورد، بدون اینکه چیزی از دست دهد؛ نه کار خویش را از دست می‌دهد و نه معتکف مسجد می‌شود و نه وظایف خود را ترک می‌کند (همان، ج ۱: ص ۲۵۴-۲۵۷). در خانواده‌ای که چنین مادری نماد آن است، کودک یا کودکانی پرورش می‌یابند که سیراب از امنیت عاطفی‌اند و مولد سرمایه اجتماعی عظیمی خواهند بود که هر جامعه‌ای به شدت نیازمند آن است.

نتیجه‌گیری

دلبستگی مادر-کودک، متأثر از حضور مؤثر والدین در کنار کودک و توجه آنان به او است و به سبب ساخت الگوهای روانی خاص، مبنای روابط بین فردی در بزرگسالی است. اگر دلبستگی به صورت ایمن بین مادر و کودک شکل گیرد، نتایج مفید و قابل توجه برای کودک به دنبال دارد و در کیفیت سرمایه اجتماعی جامعه مقصد کودک نقش مؤثری خواهد داشت؛ چرا که دلبستگی ایمن سرآغاز تحولات بهینه در بسیاری از قلمروهای اجتماعی هیجانی است. در نظریه دلبستگی، مادر نقش «چهره دلبستگی» را ایفا می‌کند و در اندیشه صدر، مادر به مثابه «وجه الله»، همان «چهره دلبستگی» است، اما با دو

تفاوت اساسی: اول ایمان به پروردگار بی‌انتهای و ارزش‌های والا و بعد نوع نگرش او به وظیفه مادری. مادر با نیت و قصد تقرب به خدا می‌تواند همه زندگی خود را به سجده‌ای دائم تبدیل کند و همیشه متصل به خداوند و در محراب بزرگ هستی در حال عبادت باشد. براساس دیدگاه صدر برقرارنشدن پیوند عاطفی مستحکم بین مادر و کودک و در نتیجه شکل نگرش ایمن در کودکان، می‌تواند پدیده گسست نسل‌ها را به دنبال داشته باشد؛ چراکه وقتی توجه مادر یا پدر به مسئولیت‌های خود در قبال کودک بر اساس مصلحت خود باشد، بخشش آنان به کودک و در واقع نسل پیش رو محدود و نسبی خواهد شد و متقابلاً کودک هم با آیندگان همین‌گونه رفتار خواهد کرد؛ در نتیجه روابط اجتماعی به تعاملی ابزاری و غیرانسانی و بی‌روح تبدیل می‌شود. این وضعیت موجب تضعیف سرمایه اجتماعی خواهد شد.

کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدمهدی فولادوند.
۲. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، ج ۱ و ۳، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. اتکینسون، ری‌تا ال. و دیگران (۱۳۸۵)، زمینه روان‌شناسی هیلگارد، ترجمه: محمدنقی براهنی و دیگران، چ ۵، تهران: رشد.
۴. اتکینسون، لسللی و سوزان گلدبرگ (۱۳۹۱)، رویکرد دلبستگی در آسیب‌شناسی روانی و درمان، ترجمه: زینب خانجانی و دیگران، چ ۲، تهران: کتاب ارجمند.
۵. افشاریان، ندا (۱۳۹۴)، «نقش پایگاه اجتماعی - اقتصادی و کیفیت دلبستگی به والدین در پیش‌بینی رفتار خرابکارانه نوجوانان»، پژوهش‌های نوین روان‌شناختی تیریز، س ۱۰، ش ۴۰: ص ۲۹-۴۸.
۶. امانی، رزیتا و دیگران (۱۳۹۱)، «رابطه میان سبک‌های دلبستگی و سازگاری اجتماعی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، س ۱۹، دوره جدید، ش ۶: ص ۱۵-۲۶.
۷. پاتنام، رابرت (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه: کیان تاجبخش و دیگران، چ ۱، تهران: شیرازه.
۸. تبعه امامی، شیرین و دیگران (۱۳۹۰)، «رابطه بین دلبستگی ایمن کودک و عوامل رفتار مادرانه»، خانواده‌پژوهی، س ۷، ش ۲۷، ص ۲۹۳-۳۱۰.
۹. تبعه امامی، شیرین و دیگران (۱۳۹۰)، «اثربخشی آموزشی - شناختی رفتاری مادران بر تغییر رفتار مادرانه و دلبستگی ناایمن کودک»، روان‌شناسی بالینی، ش ۱۱: ص ۷-۱۶.
۱۰. حسنی، اعظم و سهرابی، فرامرز (۱۳۸۴)، «تأثیر سبک دلبستگی و احساس تنهایی بر رفتارهای ضداجتماعی دختران نوجوان شهر تهران»، فصلنامه روان‌شناسی و علوم تربیتی، ش ۲: ص ۱۲۳-۱۳۷.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ق)، نه‌ایة الإحکام فی معرفه الأحکام، ج ۱، چ ۱، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

۱۲. خراشادی‌زاده، سمیه؛ شهابی‌زاده، فاطمه و رضا دستجردی (۱۳۹۰)، «بررسی نقش دل‌بستگی دوران کودکی، دل‌بستگی به خدا و سبک‌های اسنادی بر اضطراب اجتماعی دانشجویان شهر بیرجند»، روان‌شناسی و دین، س ۴، ش ۴: ص ۴۳-۵۹.
۱۳. خسروجردی، مریم (۱۳۹۴)، «شیوه‌های تربیتی و مبادی دین، گزیده‌ای از سخنان امام موسی صدر»، رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، ش ۹۷: ص ۸-۱۰.
۱۴. ردادی، محسن (۱۳۸۹)، منابع قدرت نرم: سرمایه اجتماعی در اسلام، چ ۱، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۵. رستگار خالد، امیر (۱۳۹۲)، «سرمایه اجتماعی خانواده و دین داری جوانان»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۶، ش ۳: ص ۵۵-۸۶.
۱۶. ساطوریان، سیدعباس؛ کارینه طهماسیان و محمدرضا احمدی (۱۳۹۵)، «نقش ابعاد والدگری و رابطه والد - کودک در مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده کودکان»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، س ۱۲، ش ۴۸، ص ۶۸۳-۸۰۵.
۱۷. سفیری، خدیجه و سولماز شایسته (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با سلامت اجتماعی جوانان»، فصلنامه مددکاری اجتماعی، دوره ۴، ش ۳: ص ۵-۱۷.
۱۸. شارع پور، محمود (۱۳۸۷)، «ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن»، مسائل اجتماعی ایران (مجموعه مقالات)، ص ۲۹۱-۳۲۴، چ ۲، تهران: نشر آگه.
۱۹. شهید ثانی، زین‌الدین بن نورالدین (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، شارح: سیدمحمد کلانتر، چ ۱، قم: کتاب‌فروشی داوری.
۲۰. ضاهر، یعقوب (۱۳۹۶)، گام به گام با امام، ترجمه: گروه مترجمان موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، تهران: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
۲۱. طباطبائی‌یزدی، سیدکاظم (۱۴۰۹ق)، العروة الوثقی، ج ۱، چ ۲، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۲. عبدالملکی، هادی و دیگران (۱۳۹۶)، «کارکرد سرمایه اجتماعی در سازمان‌های آینده با تأکید بر سازمان‌های داوطلبانه»، فصلنامه راهبرد دفاعی، س ۱۵، ش ۵۷: ص ۱۳۹-۱۴۰.

۲۳. علمی، زهرا؛ شارع پور، محمود و سیدامیرحسین حسینی (۱۳۸۴)، «سرمایه اجتماعی و چگونگی تاثیر آن بر اقتصاد»، تحقیقات اقتصادی، ش ۷۱، ص ۲۳۹-۲۹۶.
۲۴. قاسمی، وحید و مهری کاظمی (۱۳۸۷)، «تحلیلی جامعه‌شناختی بر نقش خانواده در میزان برخورداری از سرمایه اجتماعی»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۱۱، ص ۸۹-۲۱۸.
۲۵. قربانیان، الهام و دیگران (۱۳۹۵)، «سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی در کودکان دختر با دلبستگی ایمن و نایمن»، خانواده و پژوهش، دوره ۱۳، ش ۳۲، ص ۸۷-۱۰۷.
۲۶. قنبری، سعید و دیگران (۱۳۹۲)، «اثر بخشی آموزش والدین مبتنی بر نظریه دلبستگی بر افزایش کیفیت مراقبت مادران کودکان مضطرب پیش‌دبستانی»، خانواده‌پژوهی، ش ۹، ص ۳۶: ص ۴۰۷-۴۲۶.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، ج ۱ و ۵، ج ۴، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۸. مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق)، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۲، چ ۲، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
۲۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۶ق)، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، ج ۹، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی رحمته الله.
۳۰. محمدی، محمدعلی (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و سنجش آن، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
۳۱. موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۹)، تحریرالوسیله، قم: موسسه مطبوعات دارالعلم.
۳۲. نازک تبار، حسین و رضا ویسی (۱۳۸۷)، «واکاوی رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با تحصیل فرزندان»، فرایند مدیریت و توسعه، ش ۶۸-۶۹، ص ۱۲۳-۱۴۹.
۳۳. واحدی، شهرام و سمانه مرادی (۱۳۸۸)، «رابطه سبک‌های دلبستگی پدر و مادر با سازگاری هیجانی، رفتاری و اجتماعی در دانشجویان غیربومی سال اول»، مجله علمی - پژوهشی اصول بهداشت روانی، ش ۱۱، ص ۳، ص ۲۲۳-۲۳۲.

۳۴. وندر زندن، جیمز (۱۳۹۵)، روان‌شناسی رشد، چ ۲، ترجمه: حمزه گنجی، تهران: نشر ساوالان.
۳۵. هاشمی، سیدحامد و محمدرضا نوروزی (۱۳۸۸)، «مفهوم‌شناسی و بررسی تأثیر دولت بر سرمایه»، در: مجموعه مقالات همایش ملی سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، دانشگاه سمنان، نشر دانشگاه سمنان، ص ۴۱۹-۴۳۲.

References in Arabic / Persian

1. *The Holy Quran*, Translated by: Mohammad Mehdi Fouladvand.
2. Abdolmaleki, Hadi et al. (1396 SH), "The Functioning of Social Capital in Future Organizations with Emphasis on Voluntary Organizations", *Journal of Defense Strategy*, vol 15, no 57: pp. 139-140.
3. Afsharian, Neda (1394 SH), "The Role of Socioeconomic base and Parental Attachment Quality in Predicting Adolescent Aggressive Behavior", *Journal of Modern Psychological Research in Tabriz*, vol. 10, no. 40: pp29-48.
4. Amani, Rosita et al. (1391 SH), "The Relationship between Attachment Styles and Extreme Adaptation," *Research-Scientific Journal of Shahed University*, Vol. 19, New Vol. no.6, p.15-26.
5. Atkinson, Leslie, and Susan Goldberg (1391 SH), *Attachment Approaches to Psychopathology and Therapy*, Translated by: Zeinab Khanjani et al., second print, Tehran: Arjmand Bookshop.
6. Atkinson, Rita L. Et al. (1385 SH), *The Background of Hilgard's Psychology*, Translated by Mohammad Naqi Barahani et al., fifth print, Tehran: Roshd.
7. Elmi, Zahra; Sharepour, Mahmoud, and Sayyid Amir Hossein Hosseini (1384 SH), "Social Capital and How it Affects the Economy", *Journal of Economic Research*, no. 71, pp. 239-296.
8. Ghanbari, Saeed et al. (1395 SH), "The Effectiveness of Parent Education Based on Attachment Theory on Improving the Quality of Mothers' Care in Preschool Anxious Children", *Journal of Family Research*, vol. 9, no 36: pp.407-426.
9. Ghasemi, Vahid and Mehri Kazemi (1387 SH), "A Sociological Analysis on the Role of the Family in the Rate of Social Capital", *Journal of Social Sciences*, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, no. 11, pp.89-218.
10. Ghorbanian, Elham et al. (1395 Sh), "Social adjustment, and academic performance in girl children with secure and insecure attachment", *Journal of Family and Research*, Vol.13, no. 32: pp. 87-107.
11. Hashemi, Sayyid Hamed and Mohammad Reza Norouzi (1388 SH), "*The Conceptualization and Study of the Impact of Government on Capital*", in: Proceedings of the National Conference on Social Capital and Economic Development, Semnan University, Semnan University Publications, pp. 419-432.

12. Hassani, Azam & Sohrabi, Faramarz (1384 SH), "The effect of attachment style and loneliness on the antisocial behaviors of adolescent girls in Tehran", *Quarterly Journal of Psychology and Education*, no. 2: pp. 123-137.
13. Heli, Hassan ibn Yousof (1419 AH), *Nahayat al al-ahkam fi Ma'arefah al Ahkam*, Vol. 1, first print, Qom: Alulbayt Institute.
14. Ibn Babu'iyah, Muhammad ibn Ali (1413 AH), *Man La Yahzar al-Faqih*, vols. 1 & 3, second print, Qom: The Office for Islamic Publications affiliated to Teachers Society of Qom Seminary.
15. Kelini, Mohammad ibn Ya'qub (1407 AH), *Al-Kafi*, vol. 1 and 5, fourth print, Corrected by Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Akhundi, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah.
16. Kharashadi-zadeh, Somayeh Shahabizadeh, and Reza Dastjerdi (1390 SH), "An Investigation of role of childhood attachment, attachment to Gods and and documentary styles on social anxiety of university of Birjand", *Journal of Psychology and Religion*, vol.4, no.4, pp. 43-59.
17. Khosrojerdi, Maryam (1394 SH), "Educational Methods and Principles of Religion, Excerpts from Imam Musa Sadr's Sayings", *Journal of Quranic Education and Islamic Knowledge*, no. 97: pp.8-10.
18. Majlesi, Mohammad Baqir (1406 AH), *Mulaz al-Akhyar fi fahm Tahzib al-Akhbar*, vol. 9, Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library.
19. Majlesi, Mohammad Taqi (1406 AH), *Rouzah al-Motaqin fi Sharh man la Yahzar al-Faqih*, Vol. 2, second print, Qom: Koushanpour Islamic Cultural Institute.
20. Mohammadi, Mohammad Ali (1384 Sh), *Social Capital and its Measurement*, Tehran: University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences.
21. Mousavi Khomeini, Sayyid Ruhollah (1379 SH), *Tahrir al-Vasilah*, Qom: Dar al-Ilm Press Institute.
22. Nazak Tabar, Hossein, and Reza Weissi (1387 Sh), "Understanding Family's Social Capital with Education of Children", *Journal of Management and Development Process*, no. 69-68, pp. 123-149.
23. Putnam, Robert (1384 SH), *Social Capital: Trust, Democracy and Development*, Translated by: Kian Tajbakhsh et al, first print, Tehran: Shirazeh.
24. Radadi, Mohsen (1389 SH), *The Sources of the Soft Power of Social Capital in Islam*, First print, Tehran: Imam Sadegh University.

25. Rastegar Khaled, Amir (1392 SH), "Family Social Capital and Youth Religion", *Journal of Iranian Cultural Research*, Vol 6, no. 3: pp. 55-86.
26. Safiri, Khadijeh, and Solmaz Shayesteh (1394 SH), "Investigating the Relationship between Family Social Capital and Youth Social Health", *Journal of Social Work*, Volume 4, no. 3: p5-17.
27. Satourian, Sayyid Abbas; Karineh Tahmassian and Mohammad Reza Ahmadi (1395 SH), "The Role of Parenting Dimensions and Parent-Child Relationship in Internalized and Externalized Behavioral Problems in Children", *Journal of Family Research*, Vol. 12, No 48, pp683-805.
28. Shahid Thani, Zayn al-Din bin Noor al-Din (1410 AH), *al-Rawzah al-Bihiyyah fi al-Lom'at al-Dameshqiah*, by Sayyid Mohammad Kalantar, first print, Qom: Davari Bookstore.
29. Share'epour, Mahmoud (1387 SH), "Dimensions and Functions of Social Capital and the Consequences of Its Erosion", *Journal of Iranian Social Issues* (Proceedings), pp. 291-324, second print, Tehran: Agah Publications.
30. Taba'eh Emami, Shirin et al. (1390 SH), "Educational-Cognitive-Behavioral Effect of Mothers on Maternal Behavior Change and Unsafe Child Attachment", *Journal of Clinical Psychology*, no. 11: pp. 7-16.
31. Taba'eh Emami, Shirin et al. (1390 SH), "The Relationship between Safe Child Attachment and Maternal Behavioral Factors", *Journal of Family Research*, vol. 7, no 27, pp293-310.
32. Tabatabaei Yazidi, Sayyid Kazim (1409 AH), *al-Orvat al-Wosqa*, vol. 1, second print, Beirut: Al-A'ami le al-Matbu'at Institute.
33. Vahedi, Shahram and Samaneh Moradi (1388 Sh), "The Relationship between Maternal and Maternal Styles with Exciting, behavioral and Social in Native First-Year Students", *Journal of Mental Health Principles*, vol. 11, no.3.p. 223-232.
34. Wonder Zenden, James (1395 SH), *The Psychology of Growth*, second print, translated by Hamza Ganji, Tehran: Savalan Publications.
35. Zahir, Yaghoub (1396 SH), *Step by Step with the Imam*, Translated by: Translator Group of Imam Musa Sadr Cultural Research Institute, Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute.